

# پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۳۳ زمستان ۱۳۹۷

No.33 Winter 2019

۴۵-۶۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۰

## نقش مؤسسات خیریه داخلی و خارجی در رفع بحران قحطی مشهد در دوره جنگ اول جهانی

➤ **علی نجف زاده:** دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه فردوسی مشهد (anajaf@birjand.ac.ir)

➤ **جلیل قصابی گزکوه:** دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه فردوسی مشهد

### Abstract

The aftermaths of the First World War (1914-1918) which originated in Europe, gradually influenced many countries including Iran. Although the Iranian central government declared its neutrality to avoid entanglement in the First World War, the allied powers, dismissed Iran's stance and imposed military occupation on considerable parts of Iran's territory, including Mashhad. The presence of these occupying forces in Iran damaged national security and economy; moreover, it led to famine and incidence of several diseases causing the death of numerous people in Mashhad. Mashhad was initially occupied by Russian forces, though, after the Bolshevik Revolution, Russian forces left Mashhad and British forces replaced them. During this period a serious famine occurred in Mashhad and people encountered critical life. Meanwhile, national and foreign charities began to control the economic problems and reduce life pressure. The present research aims to seek the role of national and foreign charities in resolving the famine crisis in Mashhad during the years of World War I. A descriptive-analytical approach was adopted for the historical research methodology along with the use of documentary and press sources; the findings revealed that both national charities like Dar-ul-Ajazah And Dar-ul-Masakeen, along with foreign charities like Caucasian Huscar community, American mission, and British consulate, through providing shelter, collecting donations and feeding a large population of poor and needy people, had a significant effect on decreasing, controlling, and partly eliminating the famine crisis in Mashhad during world war I.

**Keywords:** Iran, Qajar period, First World War, Mashhad, Famine, Charity institutions

### چکیده

جنگ اول جهانی (۱۳۲۲-۱۳۲۶ ق/۱۹۱۸-۱۹۱۴ م) گرچه در اروپا آغاز شد، اما دامنه آن به تدریج به دیگر نقاط جهان، از جمله ایران رسید. با اینکه دولت ایران اعلام بی طرفی کرد، اما دولت های درگیر در جنگ موضع ایران را نادیده گرفتند و بخش های زیادی از جمله مشهد به اشغال نظامی نیروهای متجاوز درآمد. حضور اشغالگران علاوه بر آسیب به امنیت و اقتصاد ایران، سبب بروز قحطی و شیوع انواع بیماری ها در مشهد شد که مرگ افراد بی شماری را به دنبال داشت. مشهد ابتدا به اشغال روس ها درآمد، ولی پس از انقلاب بلشویکی، نیروهای روسی از مشهد خارج و انگلیسی ها جایگزین آنان شدند. در این دوره، قحطی شدیدی در مشهد به وجود آمد و وضعیت زندگی مردم بحرانی شد. در این بحبوحه، مؤسسات خیریه داخلی و خارجی به منظور کنترل مشکلات و کاهش فشار اقتصادی و معیشتی به اقداماتی پرداختند. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که مؤسسات خیریه داخلی و خارجی در ایام قحطی در مشهد چه نقشی در رفع بحران قحطی طی سال های جنگ اول جهانی داشته اند؟ یافته های پژوهش با استفاده از روش تحقیق تاریخی (از نوع توصیف و تحلیل) و با تکیه بر منابع اسنادی و مطبوعات نشان می دهد مؤسسات خیریه داخلی از جمله دارالاعزّه و دارالمساکین همگام با مؤسسات خیریه خارجی مانند هیئت هوسکاران قفقازی، میسیون های آمریکایی و کنسولگری انگلیس با ایجاد سرپناه، جمع آوری اعانه و اطعام جمعیت کثیری از فقرا و مستمندان مشهد در فرایند کاهش، کنترل و تا حدی رفع بحران قحطی مشهد در سال های جنگ جهانی اول، نقش مهم و بسزای داشتند.

**واژگان کلیدی:** ایران، دوره قاجار، جنگ اول جهانی، مشهد، قحطی، مؤسسات خیریه

## مقدمه

پیش از شروع جنگ اول جهانی در سال‌های ۱۳۲۶-۱۳۲۲ ق/۱۹۱۸-۱۹۱۴ م حاکم خراسان، سلطان حسین میرزا نیرالدوله بود و با شروع جنگ، ناصرالدین میرزا پسر مظفرالدین شاه (حک: ۱۳۲۴-۱۳۱۳ ق/۱۹۰۵-۱۸۹۶ م) و سپس کامران میرزا نائب السلطنه، به حکومت خراسان رسیدند. با شدت گرفتن جنگ اول جهانی، روس‌ها در تابستان ۱۳۲۲ ق/۱۹۱۴ م وارد مشهد شدند و دامنه فعالیت خود را تا منطقه قاینات توسعه دادند. وضعیت دولت، قبل از ۱۳۲۳ ق/۱۹۱۵ م به قدری آشفته بود که حتی به میل خود نمی‌توانست حکمران و والی برای خراسان تعیین کند (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۲۳۴). ناامنی در مناطق اطراف مشهد به سرعت افزایش یافت و «خراسان در آتش قحطی و ناامنی مشغول سوختن بود» چون جنگ باعث انسداد راه‌ها و فقدان آذوقه و ناامنی شده بود (شرق ایران، ۱۳۳۶ ق: س ۳، ش ۷، ص ۱). حضور نیروهای نظامی روس و انگلیس در مسیر راه‌های منتهی به مشهد باعث کمبایی کالا و اثاثیه زندگی و مسدود شدن راه‌ها شد (چمن، ۱۳۳۵ ق: س ۲، ش ۶۳، ص ۱). علاوه بر این، اشرا و سارقین داخلی، سبب بروز ناامنی در راه‌های مواصلاتی مشهد شدند و در انتقال مواد غذایی به شهر مشکلات عمده‌ای را به وجود آوردند. در این میان، بروز خشکسالی و کاهش محصولات کشاورزی مزید بر علت بودند. البته اوضاع سایر نقاط ایران بهتر از مشهد نبود. کمبود وسایل حمل و نقل بر دامنه قحط و غلا می‌افزود، همان‌طور که در جمادی‌الاول ۱۳۲۶ ق/۱۹۱۸ م به سبب کمبود وسایل حمل و نقل در ایران قحط و غلا شدت یافت. به همین واسطه، اگر در منطقه‌ای هم وفور غلات و کالا بود، حمل آن غیرمقدور بود. همین امر باعث گردید تا اغلب شهرهای ایران با قحطی مواجه شده و «فریاد الجوع الجوع بلند و خلق خدا فنا شدند» (عین السلطنه، ۱۳۷۸: ۵۰۵/۷). عین السلطنه وضعیت قحطی خراسان را مقارن سال ۱۳۲۶ ق/۱۹۱۸ م «بغایت دشوار» توصیف کرده است (همان: ۴۹۷/۷). علاوه بر این، در بخش‌های زیادی از ایران کمبود ارزاق عمومی و افزایش قیمت به سبب حضور قوای بیگانه، بدی وضع راه‌ها و کمبود وسایل حمل و نقل، احتکار و ایجاد کمبود مصنوعی، ناتوانی حکومت مرکزی در تعیین

تثبیت قیمت‌ها (تراپی‌فارسانی، ۱۳۷۰: ۲) ایران را به سوی قحطی سوق می‌داد. کامران میرزا والی خراسان نیز طی دو سال حکمرانی‌اش از ۱۳۲۴-۱۳۲۲ ق/۱۹۱۶-۱۹۱۴ م با مدیریت ضعیف خود اوضاع را بیش از پیش نابسامان کرد (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۲۳۴). در این شرایط، به تدریج برخی از دولتمردان بانفوذ در مشهد که مؤسسات خیریه منبعت از اقدامات آن‌ها بود و مؤسسات خیریه خارجی باهدف کمک به رفع قحطی، شکل گرفتند. دارالعجزه، دارالمساکین، گرم-خانه، کمیته اجرائیه و صندوق خیریه قفقازی‌های مقیم مشهد، هیئت هوسکاران قفقازی و هیات خیریه آذربایجان، از جمله مؤسسات خیریه داخلی و خارجی بودند که طی سال‌های ۱۳۲۶-۱۳۲۲ ق/۱۹۱۸-۱۹۱۴. در مشهد تشکیل شدند و کمک‌های قابل‌توجهی به بینوایان و ضعفا کردند.

## پیشینه پژوهش

با بررسی‌های انجام‌شده، تاکنون پژوهشگران تاریخ قاجار و پژوهشگران تاریخ محلی خراسان، در مطالعات خود به صورت جزئی‌نگر، تصویر روشنی از نقش برخی از دولتمردان، مؤسسات خیریه داخلی و خارجی در رفع بحران قحطی مشهد در دوره جنگ اول جهانی عرضه نکرده‌اند. همچنین، جزئیات این مسئله در منابع تاریخ‌نگارانه این دوره انعکاس چندانی نیافته است. مهم‌ترین و نزدیک‌ترین منبع به این وقایع، *سال‌شمار وقایع مشهد* نوشته محمدتقی مدرس-رضوی است که در آخرین سال‌های دوره قاجار نوشته شده است. مدرس رضوی تنها اشاراتی گذرا به قحطی مشهد دارد. اعظم نظرکرده نیز در مقاله *دارالعجزه مشهد* تنها به روند شکل‌گیری دارالعجزه در مشهد اشاره کرده است. افزون بر این، یوسف متولی حقیقی در *تاریخ معاصر مشهد* اشاره‌ای جزئی به گرانی اجناس و قحطی موجود در مشهد در فاصله سال‌های جنگ جهانی اول در مشهد کرده است.

## روش پژوهش

باوجود آگاهی‌های موجود و کمبود منابع، پژوهش حاضر با تکیه بر مطبوعات مشهد، پاره‌ای از اسناد، پژوهش‌های جدید و منابع تاریخی با روش تحقیق تاریخی (از نوع توصیف و تحلیل) نقش برخی از دولتمردان بانفوذ در مشهد، مؤسسات

خیریه داخلی و خارجی را در فرایند کاهش بحران قحطی در مشهد در زمان جنگ اول جهانی مورد بررسی قرار داده است.

### جنگ جهانی اول و قحطی در مشهد

جنگ اول جهانی علاوه بر تشدید ناامنی، حضور گسترده نیروهای نظامی روسیه و انگلیس در شرق ایران به‌ویژه مشهد را به دنبال داشت. روس‌ها و انگلیسی‌ها برای تهیه مایحتاج نیروهای نظامی خود، مقادیر فراوانی غلات را از سرتاسر منطقه خراسان تهیه می‌کردند. این مسئله به کمبود غلات در مشهد و سایر شهرهای خراسان می‌انجامید. علاوه بر این، جنگ اول جهانی باعث انسداد مسیرهای عمده تجاری از جمله، مسیر تجاری مشهد-روسیه و مسیر تجاری مشهد-افغانستان در فاصله سال‌های ۱۳۲۶-۱۳۲۲ق/۱۹۱۸-۱۹۱۴م شده بود. انقطاع راه‌های تجاری، فقدان آذوقه و کمبود ارزاق عمومی را به دنبال داشت. به‌گونه‌ای که فریاد فقرا و ناله ضعفاء برای تهیه نان در مشهد «پیشان و نامن» در خبازخانه‌ها بلند شده بود (شرق ایران، ۱۳۲۶ق: س ۳، ش ۷، ص ۱). وضعیت مشهد در زمان جنگ یعنی از ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۶ق/۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸م به‌واسطه کمبود مواد غذایی و احتکار گندم دچار قحطی سخت و شدید و شیوع بیماری‌های عمومی شده بود که برخی از آن به «وضعیت مخوف» یاد کرده‌اند (مدرس‌رضوی، ۱۳۷۸: ۲۴۴). کمبود گندم و نان به‌عنوان منبع اصلی غذای مردم به‌ویژه فقرا و نیازمندان و ذغال برای گرمایش در زمستان ۱۳۲۴ق مردم مشهد را با شرایط سختی مواجه کرد (چمن، ۱۳۲۴ق: س ۲، ش ۶، ص ۱). کمبود نان و گرانی آن در سال ۱۳۲۵ق. نیز در برخی مطبوعات نمود عینی‌تری پیدا کرده است. علاوه بر احتکار غلات (چمن، ۱۳۲۵ق: س ۲، ش ۸۵-۸۴، ص ۳) کمبود نزولات آسمانی و بارش باران، عامل دیگری بود که خبازخانه‌ها را با کمبود گندم برای پخت نان مواجه ساخت (بهار، ۱۳۲۶ق: س ۲، ش ۱، ص ۲) کمبود گندم به افزایش قیمت نان در شعبان ۱۳۲۵ق/۱۹۱۷م انجامید و افزایش قیمت نان، نیازمندان، ضعفا و فقرای مشهد را به «جان آورده بود» (چمن، ۱۳۲۵ق: س ۲، ش ۹۱، ص ۱). قیمت گندم، نان و سایر اقلام مصرفی مانند گوشت، جو، قند و دیگر کالاها در بیشتر ماه‌های سال ۱۳۲۶ق افزایش چشمگیری داشت. به‌عنوان نمونه، گندم از هر خروار ۲۵

تومان به هر خروار ۲۶ تا ۳۷ تومان افزایش یافت (بهار، ۱۳۲۶ق: س ۲، ش ۵، ص ۴). گرانی اجناس و قحطی که از سال‌های اولیه جنگ در سرتاسر ایران شیوع یافته بود، در مشهد به منتهی درجه رسیده بود. عدم امنیت و کمبود ارزاق عمومی در صفر ۱۳۲۶ق مشهد را در وضعیت «حیرت‌آور» قرار داد به‌طوری‌که «دسته‌دسته زن و مرد در خیابان‌ها و کوچه‌ها داد گرسنگی داده با اطفال در بغل گرد شهر می‌گشتند». تا جایی که در برخی از محلات مشهد چند نفر از شدت فقر و گرسنگی تلف شدند. قحط و غلا در مشهد زمان جنگ اول جهانی، فرد فرد فقرا و نیازمندان را به کام مرگ بُرد (شرق ایران، ۱۳۲۶ق: س ۳، ش ۱۲، ص ۱). وضعیت قحطی در سال ۱۳۲۶ق/۱۹۱۸م به‌گونه‌ای بود که در معابر و کوچه‌ها «همیشه عده‌ای از فقرا و مساکین با رنگ پریده و لب‌های کیود شده و شکم‌های به پشت چسبیده از شدت گرسنگی افتاده و ناله دلخراش سر می‌دادند» (شرق ایران، ۱۳۲۶ق: س ۳، ش ۴۰، ص ۱). کمبود ارزاق عمومی، افزایش قیمت ارزاق عمومی به‌ویژه گندم و نان، شیوع بیماری‌های مسری، خشکسالی و مسدود شدن راه‌های تجاری سبب شده بود مشهد با بحران قحطی مواجه گردد. از این‌رو گروهی از متمولین، منورالفکران، علما، اصناف، تجار تبریزی مقیم مشهد و مهاجران خارجی مشهد مانند قفقازی‌ها، میسیون‌های آمریکایی و کنسولگری انگلیس در مشهد برای رفع بحران قحطی با امکانات موجود، اقدام به تأسیس مؤسسات خیریه کردند تا با پرداخت اعانه، دادن وعده‌های غذایی به‌صورت روزانه در رفع گرسنگی و جلوگیری از مرگ‌ومیر فقرا و نیازمندان مشهد در راستای کاستن از حجم بالای بحران قحطی کمک کنند. هرچند که اقداماتی از قبیل تأسیس دارال‌العجزة و دارال‌مساکین برای کمک به فقرا امیدوار کننده بود اما نمی‌توانست به بحران قحطی و اوضاع ناگوار مشهد خاتمه دهد چراکه این دست از فعالیت‌های بشردوستانه و خیریه تنها توانست از اتلاف نفوس در سطوح گسترده جلوگیری نماید.

### مؤسسات خیریه داخلی

با وقوع قحطی فراگیر در مشهد در ایام جنگ اول جهانی (۱۳۲۶-۱۳۲۲ق/۱۹۱۸-۱۹۱۴م)، تلاش‌های زیادی از جانب مردم و برخی از دولتمردان در مشهد از جمله

محقق‌الدوله (کارگزار مشهد)، ظهیرالاسلام (نائب‌التولیه آستان قدس)، قوام‌السلطنه (والی خراسان)، برخی از اصناف مشهد و هیئت آذربایجانی‌های مقیم مشهد انجام گرفت. آن‌ها با تأسیس دارالعجزه، دارالمساکین و سایر مؤسسات خیریه در مشهد توانستند تا حدودی بحران قحطی را کنترل کنند و به مردم قحطی‌زده کمک رسانند.

### دارالعجزه

تلاش خودجوش و پراکنده اشخاص حقیقی و حقوقی جهت تشکیل یک دارالعجزه برای کمک به رفع بحران قحطی در مشهد از اقدامات مهم و انسان دوستانه در اواخر سال ۱۳۲۲ق/۱۹۱۴م بشمار می‌رود. حاج سید جواد ظهیرالاسلام (جواد الحسینی)، داماد مظفرالدین‌شاه و نائب‌التولیه آستان قدس، از پیشگامان تأسیس دارالعجزه در مشهد بود. ظهیرالاسلام دو مرتبه یعنی از ربیع‌الاول ۱۳۲۴ تا شوال ۱۳۲۵ق/۱۹۱۷-۱۹۱۶م و از سال ۱۳۲۸-۱۳۲۹ق/۱۹۲۰-۱۹۱۹م نائب‌التولیه آستان قدس رضوی بود. (کاویانیان، ۱۳۵۵: ۴۲۶؛ سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۰۶). وی تشکیل دارالعجزه مشهد را در سال ۱۳۲۴ق/۱۹۱۶م به شاهزاده محمدهاشم میرزا و حاج مرتضی میرزا قهرمان<sup>۱</sup> پیشنهاد کرد تا با تأسیس یک باب دارالعجزه در مشهد و تهیه لوازم آن توسط شرکت خیریه فرهنگ به مردم در زمان وقوع قحطی خدمات ضروری ارائه کنند. قرار بود آن شرکت یک برنامه و نظام‌نامه صحیح با نظر جمعی از معارف خواهان و نوع‌پرستان بنویسد و بر اساس آن اقدام کنند. ظهیرالاسلام (جواد الحسینی) نیز وعده داد هر چه از وی بخواهند حاضر است از طرف آستان قدس یا به‌طور شخصی، همراهی و مساعدت کند. اما با مسافرت شاهزاده محمدهاشم میرزا از مشهد و نبودن مساعدت یک هیات، پیشنهاد مزبور پیگیری نشد و به سرانجام نرسید (چمن، ۱۳۳۵ق: س ۲، ش ۵۸، ص ۲-۳). در سال ۱۳۲۳ق/۱۹۱۵م که شرایط معیشتی مردم نامناسب

بود و شرایط اقلیمی در مشهد سخت‌تر شد، ضرورت بیشتری برای دایر کردن دارالعجزه احساس شد.

مطبوعات مشهد نظیر روزنامه آگاهی، مینو و چمن از اواسط ذی‌قعدة ۱۳۲۳ق/۱۹۱۵م بیشتر به مسئله تأسیس دارالعجزه پرداختند. اسد آقا زوارزاده تبریزی (زوار) پس از اینکه شرحی در روزنامه مینو راجع به تشکیل دارالعجزه تحت امر ظهیرالاسلام، متولی باشی آستان قدس و محقق‌الدوله، کارگزار خارجه خراسان، مطالعه کرد، اظهار داشت: یگانه وسیله‌ای که در چنین شرایط سختی می‌تواند جامعه را احیاء کند؛ رفع گرسنگی، حراست از سرما و مسئله حفظ‌الصحه عابرین است. وی پیشنهاد داد: «بهتر است آقایانی که دنبال اقدامات خیر هستند خیالات متعالی تولیت را تقویت کنند» (چمن، ۱۳۳۵ق: س ۲، ش ۵۷، ص ۱).

ظهیرالاسلام (جواد الحسینی) نیز در ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ق/ فوریه ۱۹۱۷م ضمن اظهار خوشحالی در توجه به هم‌نوع، مسائل عام‌المنفعه، تشویق به دستگیری درماندگان و اعانه به فقرا از قبیل تأسیس دارالعجزه یا اخذ اعانه برای امور خیریه و معارف اعلام کرد، همچنان که سال گذشته به شرکت فرهنگ پیشنهاد داده، حاضر است در تأسیس یک باب دارالعجزه کمک کند، مشروط برآنکه شرکت فرهنگ با مساعدت و هم‌فکری برخی از نوع‌پرستان نظیر محقق‌الدوله و سایرین نظام‌نامه‌ای اساسی بنویسد، در این صورت وی اولین کسی خواهد بود که اقدام به مساعدت خواهد کرد (چمن، ۱۳۳۵ق: س ۲، ش ۵۸، ص ۲-۳). با این تبلیغات در ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ق/۱۹۱۷م جلسه‌ای در دارالتولیه برای بررسی موضوع دارالعجزه تشکیل شد و هر یک از اجزاء مجلس در حد توان خود جهت کمک به دارالعجزه اعلام آمادگی کردند (چمن، ۱۳۳۵ق: س ۲، ش ۶۱، ص ۲). ظهیرالاسلام نیز در ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۵ق/۱۹۱۷م منابعی از جمله یک‌دهم (عشر) حق‌التولیه، موقوفات آستان قدس و حق‌الارض دفن اموات در آستان قدس را برای کمک به

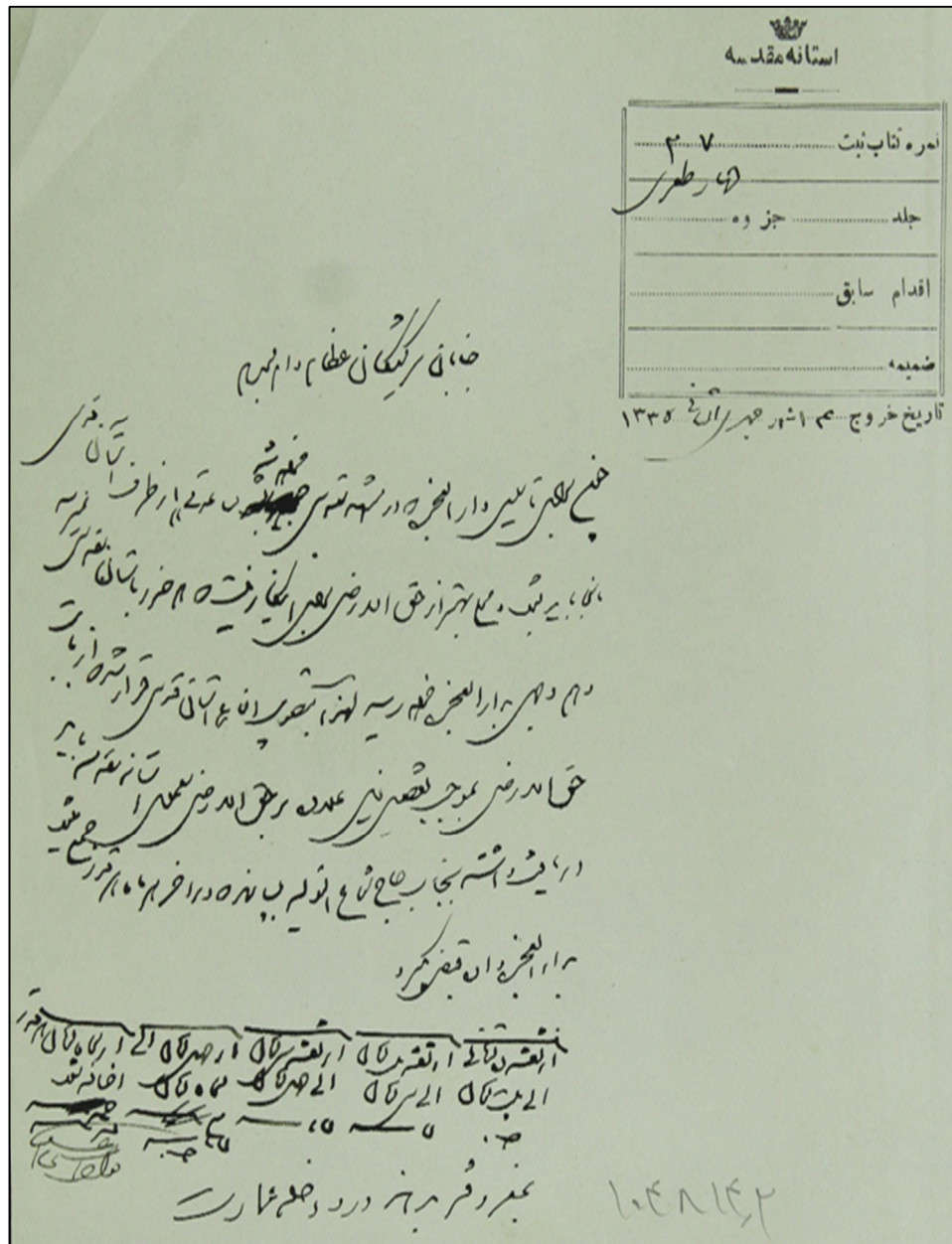
ایران در کمیسیون آب‌های سرحدی روسیه، متصدی بازسازی مقبره نادرشاه و رئیس بلدیة مشهد شد و در ۱۹ شهریور ۱۳۲۳ش/ ۱۹۴۴م در تهران درگذشت (گلشن‌آزادی، ۱۳۷۳: ۳۲۳؛ شهوازی، ۱۳۸۲: ۸۰؛ رعد، س ۱۰، ش ۱۴۴، ص ۳).

۱. حاج مرتضی میرزا قهرمان فرزند حاج محمد میرزا، متخلص به شکسته از شاهزادگان قاجار بود که به سال ۱۲۹۸ق/۱۸۸۱م در روستای ازغند تربت‌حیدریه متولد شد. از اعضای حزب دموکرات مشهد بود و بعد از عزل نیرالدوله، کفالت ایالت خراسان را بر عهده گرفت و مدتی حاکم گناباد و سپس سرخس شد. سپس نماینده

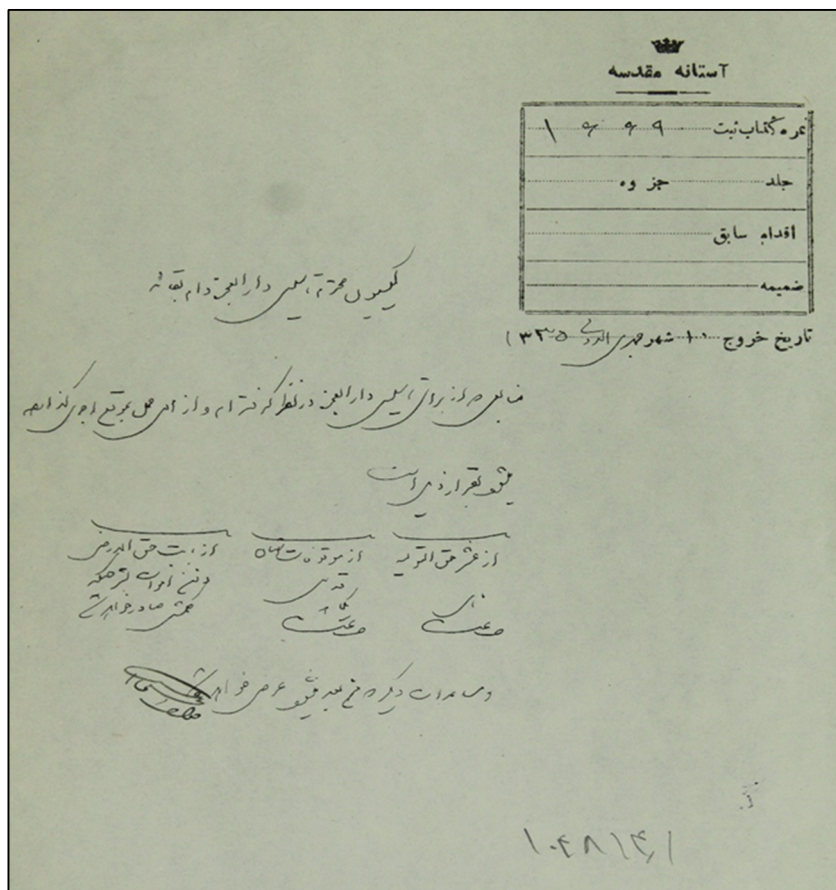


که از ده تومان تا شصت تومان متغیر بود، به حاجی شجاع‌التولیه (صاحب‌جمع روشنایی آستان قدس) تحویل داده شود (ساکماق، شماره بازیابی: ۱۰۴۸۱۴، ص ۲).

تأسیس دارالعبزه در نظر گرفت (ساکماق، شماره بازیابی: ۱۰۴۸۱۴، ص ۱). وی در این رابطه در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۳۵ ق/ ۱۹۱۷ م به همه سرکشیگان آستان قدس دستور داد «هرماه، وجوه حق‌الارض اموات را برای مصارف دارالعبزه»



دستور تولیت آستان قدس (جوادالحسینی) به سرکشیگان برای اختصاص وجوه حق‌الارض به دارالعبزه (ساکماق، شماره بازیابی: ۱۰۴۸۱۴، ص ۲)



منابعی که ظهیرالاسلام برای تأسیس دارال‌العجزة اختصاص داده بود (ساکماق، شماره بازیابی: ۱۰۴۸۱۴، ص ۱)

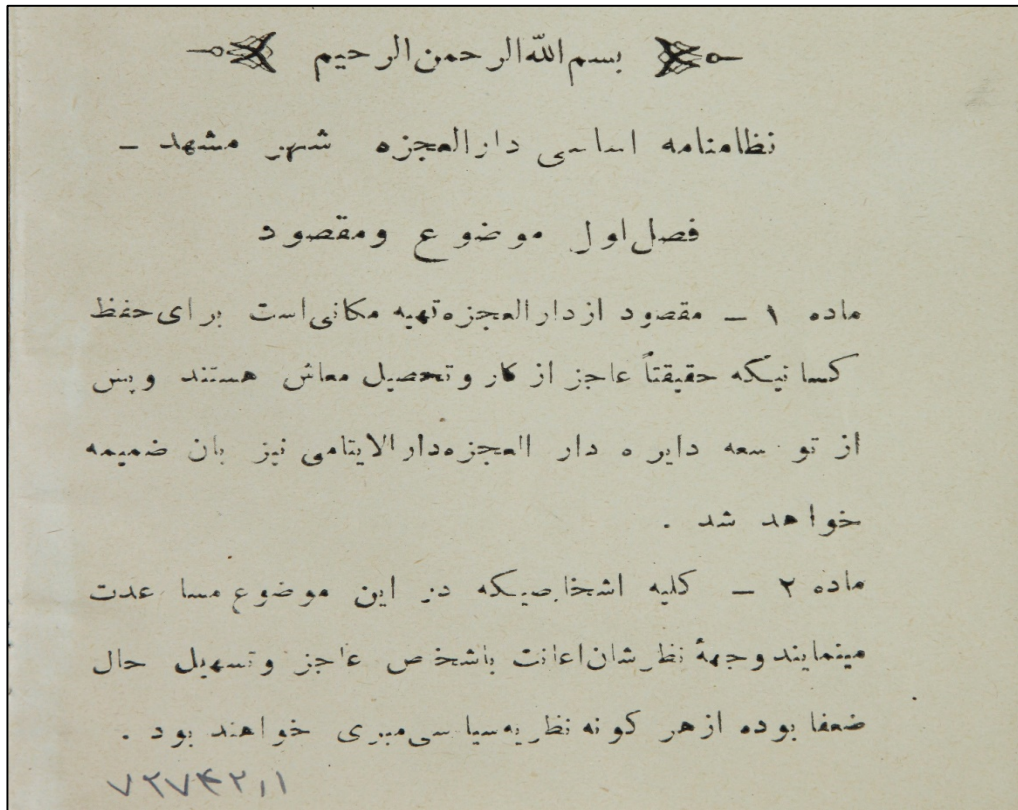
اشاره کرده است که با مساعدت جمعی از خیرخواهان مشهد به صورت هیاتی متشکل از سه عضو مؤسس، امدادی و افتخاری تأسیس شده است. اعضای مؤسس حداقل ۲۵ تومان برای تأسیس پرداخت می‌کردند. اعضای افتخاری می‌توانستند اعانه‌ای پرداخت نکنند ولی در ماه باید ۲ تومان شهریه می‌دادند، اما اعضای امدادی می‌بایست در ماه حداقل ۵ قران شهریه می‌دادند (ساکماق، شماره بازیابی: ۷۲۷۴۲، ص ۲-۳). فصل سوم اساس‌نامه، هیات مدیره و تکالیف آن‌ها را معین می‌کرد که از میان اعضای موسسه با اکثریت آراء به‌طور مخفی برای مدت یک سال انتخاب می‌شدند (ساکماق، شماره بازیابی: ۷۲۷۴۲، ص ۳). فصل چهارم به منابع عایدات و ترتیب محاسبات اختصاص داشت. در این فصل از اعانه‌های فوق‌العاده، شهریه، صندوق‌های اعانه‌که در سطح شهر توزیع شده بودند و مبلغی از عواید دولت یاد شده است که وجوه جمع‌آوری شده تحویل یکی از بانک‌های مشهد یا یکی از تجارت‌خانه‌های معتبر مورد اعتماد عمومی می‌شد تا به‌موقع

در این جلسه برحسب تقاضای تولیت با روسای ادارات و متفکرین شهر برای تأسیس دارال‌العجزة مذاکره شد سپس نه نفر از جمله؛ عبدالکریم محقق‌الدوله (کارگزار خراسان)، معتمدالوزاره (رئیس پست خراسان)، شاهزاده مصطفی میرزا (رئیس معارف)، حاجی محمدجعفر کشمیری (از تجار مقیم مشهد)، مصطفی میرزا بدایع‌نگار آستان قدس، حاجی محمدتقی ناظم‌دفتر، مصدق‌الدوله و سید محمد سلطان-العلماء برای نوشتن نظامنامه انتخاب شدند (ساکماق، شماره بازیابی: ۷۲۷۴۲، ص ۸؛ چمن، ۱۳۳۵ق: ص ۲، ش ۶۰، ص ۱). به این ترتیب، اساس‌نامه دارال‌العجزة مشهد در ۵ فصل و ۳۱ ماده در ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۵ق تدوین شد (ساکماق، شماره بازیابی: ۷۲۷۴۲، ص ۸؛ نظرکرده، ۱۳۸۸: ۲۲۴-۲۲۷).

در فصل اول نظام‌نامه، هدف از ایجاد دارال‌العجزة تهیه مکانی برای مراقبت از کسانی بود که از کار و تحصیل معاش ناتوان بودند (ساکماق، شماره بازیابی: ۷۲۷۴۲، ص ۱). فصل دوم اساس‌نامه به نحوه تأسیس و شرایط عضویت در دارال‌العجزة

هزینه شود (ساکماق، شماره بازیابی: ۷۲۷۴۲، ص ۶).  
یک‌دهم کلیه وجوه عایدی در صندوق برای اتفاقات فوق-  
العاده جمع‌آوری می‌شد و هیئت‌مدیره هرماه صورت جمع و  
خرج دارالعجزه را به عموم اعضای موسسه ارائه می‌داد

(ساکماق، شماره بازیابی: ۷۲۷۴۲، ص ۷). علاوه بر این،  
مدیران دارالعجزه بر اساس نظامنامه داخلی و با نظر  
هیئت‌مدیره انتخاب می‌شدند (چمن، ۱۳۳۵ق: ص ۲،  
ش ۶۶، ص ۲؛ نظرکرده، ۱۳۸۸: ۲۲۵).



نظامنامه اساسی دارالعجزه مشهد (ساکماق، شماره بازیابی: ۷۲۷۴۲، ص ۱)

عبدالکریم محقق‌الدوله کارگزار خراسان، در سال‌های قحطی  
از عناصر فعال و بانفوذ در خراسان بود که برای ساماندهی  
وضعیت مردم قحطی‌زده و فقرا در مشهد تلاش‌های زیادی  
انجام داد. او پس از عزل معززالدوله در ذیحجه  
۱۳۳۴ق/۱۹۱۵م به‌عنوان کارگزار خراسان منصوب و وارد  
مشهد گردید و از سوی روزنامه چمن «یکی از رجال دانشمند  
مغرب عصر خود» معرفی شد. روزنامه چمن از ورود چنین  
شخصی بی‌اندازه خرسند شد (چمن، ۱۳۳۴ق: ص ۲،  
ش ۱۵، ص ۲). روزنامه چمن همچنین در اواخر صفر  
۱۳۳۵ق/ دسامبر ۱۹۱۶م محقق‌الدوله را به‌عنوان یکی از  
چند نفر مأمور صحیح‌العمل دولت معرفی کرد. دلیل بر این  
مدعا توجه پادشاه به وی و اعطای یک حمایل سبز و نشان  
درجه اول بود (چمن، ۱۳۳۴ق: ص ۲، ش ۳۹، ص ۲-۳). بر  
اساس نوشته روزنامه چمن، محقق‌الدوله به خاطر «تقدس

اعمال و افعال خود، مصدق‌المله» بودند (چمن، ۱۳۳۵ق:  
ص ۲، ش ۵۷، ص ۱). وی که از مخالفان حضور روس‌ها در  
خراسان پس از وقوع انقلاب اکتبر بود، از وزارت خارجه،  
تقاضای خروج روس‌ها از مشهد را کرد. وی با آگاهی از  
وضعیت موجود در مشهد، تخلیه شهر از قشون روس را  
خیلی ضروری می‌دانست، زیرا مسئله نان در مشهد  
فوق‌العاده اسباب زحمت شده بود و این مسئله هرگونه  
فسادی را به وجود می‌آورد (گزیده اسناد دریای خزر و مناطق  
شمالی ایران در جنگ جهانی اول، ۱۳۷۴: ۲۴۴).

محقق‌الدوله که یکی از پیشگامان تأسیس دارالعجزه در  
مشهد بود. گاهی اوقات جلساتی را با حضور سایر اعضاء  
برای رفق و فتق مسائل دارالعجزه در کارگزاری خارجه برگزار  
می‌کرد (چمن، ۱۳۳۵ق: ص ۲، ش ۸۷، ص ۱). محقق‌الدوله  
در شوال ۱۳۳۵ق/۱۹۱۶م به‌عنوان کفیل ایالت خراسان



کمیسیون مرکب از پنج نفر تشکیل داد. تصمیمی که در این کمیسیون اتخاذ شد، برگزاری هر روزه جلسات مزبور در کارگزاری خارجه با حضور اعضاء و برای رسیدگی به امورات مهمی از جمله تأمین گندم برای شهر مشهد بود (شرق ایران، ۱۳۳۵ق: س ۲، ش ۲۰، ص ۲). از دیگر اقدامات مهم محقق الدوله در راستای رفع بحران قحطی در مشهد تحت کنترل درآوردن خبازخانه‌ها بود. در این زمینه، شاهزاده معتمد‌همایون نیز از طرف شاهزاده مصطفی میرزا (رئیس معارف) تلاش زیادی در زمینه حمل گندم به شهر می‌کرد (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س ۳، ش ۱۴، ص ۳). محقق الدوله همچنین از فعالیت‌های فرهنگی و هنری قفقازی‌های مقیم مشهد از جمله «هیات هوسکاران قفقازی» برای کمک به فقرا کمک می‌گرفت. هیات هوسکاران قفقازی در صفر ۱۳۳۷ق/ ۱۹۱۸م با همکاری «هیات نمایش خورشید» یکی از دو گروه تئاتری مشهد، تئاتر «نادرشاه» را به نفع دارالعجزه مشهد نمایش داد (بهار، ۱۳۳۷ق: س ۲، ش ۵۹، ص ۴) که با استقبال زیادی مواجه گردید و عواید آن را به دارالعجزه و سایر مؤسسات خیریه در مشهد که برای زدودن آثار فقر و قحطی تأسیس شده بودند، اختصاص داد.

میرزا عزیزالله کفائی رضوی (۱۳۶۷-۱۲۸۷ق/ ۱۹۴۸-۱۸۷۰م) مشهور به مروج الاحکام از علما و مدرسین آستان قدس رضوی بود (جلالی، ۱۳۸۷: ۱۱۰/۳). کفائی رضوی دیگر از پیشگامان تأسیس دارالعجزه در مشهد بود. وی سابقه فعالیتش را برای روزنامه چمن نوشت و اعلام کرد از آغاز فصل سرما تا بهار که شب‌ها خیلی سرد و سرما زیاد بود برای تفتیش و تنظیم امور به دارالعجزه واقع در صحن جدید می‌رفت. وی در آنجا سید زائری از اهالی قم را دید که بیرون درب دارالعجزه و داخل صحن جدید ایستاده بود و به دلیل کثرت جمعیت فقرای مشهد نمی‌توانست داخل شود. عزیزالله رضوی با مشاهده آن وضعیت به فکر افتاد محلی وسیع برای اقامت افراد بی‌پناه تهیه کند و خیالی که دو سه سال قبل داشت را اجرائی نماید. به همین منظور او مصمم شد تا مقبره شرف‌الدین ابوطاهر قمی، وزیر سلطان سنجر، واقع در کنار قبرستان قتلگاه را برای تأسیس دارالعجزه تخلیه و تعمیر نماید. اما در این بین، برخی از مردم ساکن در آن محل، نسبت به تصرف زمین محل احداث دارالعجزه

شکایت کردند. آن‌ها درخواست می‌کردند در محل مورد نظر نمازخانه احداث شود. افزون بر این، حاجی علی‌اکبر خباز خشخاشی که در این زمین دکان خبازی و هیزم‌خانه داشت، مشکلاتی در مسیر تصرف زمین برای عزیزالله رضوی به وجود آوردند. سرانجام وی پس از سه ماه تلاش از تشکیل دارالعجزه و خدمت به هموعان، احساس یاس و ناامیدی نمود (چمن، ۱۳۳۵ق: س ۲، ش ۶۴، ص ۲).

### دارالمساکین

با وجود همه تلاش‌های انجام شده از طرف برخی از دولتمردان در مشهد، پیگیری برای تأسیس و راه‌اندازی موسسه دارالعجزه در سال ۱۳۳۶ق/ ۱۹۱۸م مسکوت ماند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل آن زمان بر بودن تأسیس دارالعجزه بود. برخی از دولتمردان که دغدغه معیشت مردم و رفع بحران قحطی داشتند، تأسیس دارالمساکین را بجای دارالعجزه مفید دانستند و در این زمینه گام‌های مؤثری برداشتند. طبق گزارش روزنامه شرق ایران، در ۸ جمادی‌الاول ۱۳۳۶ق/ ۱۹۱۸م کمیسیون در منزل آیت‌الله‌زاده تشکیل شد. در کمیسیون مزبور، تصمیم گرفته شده هفت نفر برای جمع‌آوری فقرا انتخاب شوند. تصمیم دیگر کمیسیون انتخاب کاروان‌سرای کوچه چهارباغ به‌عنوان «دارالمساکین» بود. سپس ۲۰۰ نفر از فقرای مشهد را در دارالمساکین جدیدالتأسیس جمع کردند. در دارالمساکین افتتاح شده به هر نفر دو سیر و نیم نان و دو سیر آش در طول روز به‌عنوان وعده غذایی می‌دادند. همچنین به هر نفر ده سیر نان و یک سیر کشمش برای تغذیه در شب می‌دادند (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س ۳، ش ۲۲، ص ۲). پانزده روز بعد، یعنی در ۱۶ اسفند گزارشی از سوی دارالمساکین مشهد منتشر شد که نشان می‌داد معتمد‌الوزاره، رئیس پست ایالتی خراسان، از طرف هیات کمیسیون به مدیریت دارالمساکین انتخاب شده است. این دارالمساکین ظرفیت پذیرایی از حدود ۳۰۰ نفر داشت (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س ۳، ش ۳۴، ص ۲-۱). البته باید در نظر داشت که تشکیل دارالمساکین از اقدامات مقطعی و متناسب با فصل سرما بود. باینکه راه‌اندازی دارالمساکین مورد توجه برخی از متمولین مشهد بود اما در جمادی‌الثانی ۱۳۳۶ق/ ۱۹۱۸م با پرداخت نشدن اعانه توسط آن‌ها و نرسیدن مخارج فقرا، یکی از دارالمساکین‌های



شهر منحل شد و همه فقرای مجتمع در آن مکان را اعم از زن، مرد و کودک را در یک مکان خیریه کوچک به‌طور مشترک جایی دادند. کمبود نان و نرسیدن غذا در آن مقطع زمانی سبب شده بود هر سه روز یک یا دو نفر از فقرا «دنیا را وداع گفته به دار بقا بروند» (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س ۳، ش ۳۵، ص ۲).

قوام‌السلطنه در اواخر سال ۱۳۳۶ق/ ۱۹۱۸م به‌عنوان والی خراسان منصوب گردید. خیر انتصاب قوام‌السلطنه موجی از امیدواری در میان اصحاب رسانه‌های مشهد به وجود آورد چراکه معتقد بودند، وی می‌تواند نواقص و مشکلات خراسان را حل‌وفصل کند (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س ۳، ش ۳۶، ص ۱). علت امیدواری مطبوعات مشهد، وخامت اوضاع ارزاق عمومی بود که با شروع جنگ اول جهانی و حضور نیروهای بیگانه در مشهد، قیمت ارزاق ترقی پیدا کرده و اهالی را دچار فقر نموده بود. تجربه قحطی سال ۱۳۲۴ق/ ۱۹۱۵م باعث شد قوام‌السلطنه اقدامات پیشگیرانه‌ای برای ساماندهی وضعیت فقرای مشهد انجام دهد. وی در سرمقاله مفصلی با عنوان «اعانت یتیم، دستگیری مسکین» به وضعیت معیشتی مردم و اقدامات مقدماتی رقت‌انگیزی برای اطفال بی‌پرستار و فقرایی که از کثرت گرسنگی و استیصال مشرف به موت بودند و هر روز در معابر و مساجد و انظار عموم ظاهر می‌شدند، اشاره کرد. همچنین اعلام نمود، اینک زمستان نزدیک است و از حالا اثرات آن ظاهر شده و هر شب چند نفر از شدت برودت و جوع تلف می‌شوند. وی تداوم این وضع را برخلاف روح اسلام و موجب انزجار حضرت ختمی مرتبت بیان کرد و اثرات سوء آن را دامن‌گیر کسانی دانست که در عین قدرت و داشتن ثروت از دست‌گیری فقرا امساک داشتند (بهار، ۱۳۲۷ق: س ۲، ش ۲۷، ص ۱). قوام‌السلطنه پیشنهاد کرد قبل از رسیدن زمستان و شدت برودت، وسایل کافی برای حفاظت از ایتم و فقرای شهر مشهد فراهم گردد. او برای نیل به این مقصود دستور داد تعداد فقرا و ایتمی که مستحق نگاهداری هستند، شمارش شوند و مجلسی برای برآورد حداقل مخارج آن‌ها تشکیل گردد. در نتیجه این اقدامات معلوم شد، تعداد فقرا به‌طور تخمینی هزار نفر و حداقل مخارج سه‌ماهه آن‌ها تقریباً بیست هزار تومان خواهد شد.

«چون تأدیه این وجه از عهده یک شخص خارج بود، تهیه آن موکول به همت متمولین، اعیان و تجار شهر شد تا همان‌طور که در سال گذشته از روی فتوت، جماعتی را از مرگ نجات دادند، در این سال نیز مساعدت کنند» (بهار، ۱۳۳۷ق: س ۲، ش ۲۷، ص ۱). قوام‌السلطنه به همین جهت از تمام متمولین شهر دعوت نمود که با وی در تکفل و نگاهداری هزار نفر از ایتم و فقرای شهر موافقت کنند و «هر یک به فراخور خود قدری که در قوه دارند، اعانه تقبل نمایند و در دفتر ثبت کنند». قوام‌السلطنه به‌طور موقت «دو هزار تومان از طرف خود اعطا کرد و بقیه را به همت ارباب فتوت موکول نمود» (بهار، ۱۳۳۷ق: س ۲، ش ۲۷، ص ۱).

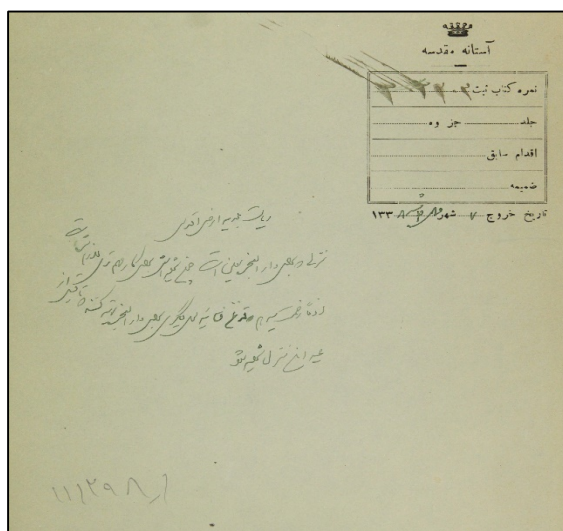
باوجود این، مذاکرات رسمی همیشه به‌طور کامل به نتیجه نمی‌رسید و موردی از آن تصمیم، جمع‌آوری فقرا بود. روزنامه بهار در شوال ۱۳۳۷ق/ ۱۹۱۸م از برگزاری مجلسی در دارالایاله متشکل از تجار و سایر طبقات برای حمایت از فقرا گزارش داد که مقرر شده بود هر کس جمعی از فقرا را به عهده گیرد. اما این تصمیم آن‌گونه که انتظار می‌رفت عملی نشد. هرچند، برخی افراد در خارج از آن مجلس، تصمیم گرفتند دست به اقدامات عملیاتی بزنند. برای نمونه، حاج ملاهاشم از متمولین مشهد، در زمستان ۱۳۳۷ق/ ۱۹۱۸م با شروع فصل سرما، گرمخانه‌ای در کوچه میرزا شهاب واقع در بالا خیابان مشهد تأسیس کرد. این گرمخانه فقرا را در شب‌های سرد پذیرائی می‌کرد تا آسوده باشند. این اقدام خیرخواهانه حاج ملاهاشم از سوی اصحاب مطبوعات قدرانی شد (بهار، ۱۳۳۷ق: س ۲، ش ۳۳، ص ۴).

شاید به جهت عدم استقبال از کمیسیون دارالایاله و به خاطر سردی هوا بود که قوام‌السلطنه دستور داد در اغلب محلات شهر مشهد نقاطی را معین کنند تا فقرا را جمع‌آوری کرده و به‌وسیله بخاری‌های متعدد آن‌ها را از سرما حفظ کنند (بهار، ۱۳۳۷ق: س ۲، ش ۳۵، ص ۲). نظمی نیز در ربیع‌الثانی ۱۳۳۷ق/ ژانویه ۱۹۱۹م به دستور قوام‌السلطنه مشغول جمع‌آوری فقرا و استقرار آن‌ها در گرمخانه‌ها شد (بهار، ۱۳۳۷ق: س ۲، ش ۲۷، ص ۲). قوام‌السلطنه چند روز پس از جمع‌آوری فقرا به اطفال لخت و عور، پوستین‌کمری اعطاء کرد و بعضی از آن‌ها را به کارخانه‌های قالی‌بافی فرستاد و بقیه را در نقاط معین پذیرایی نمود. روزنامه بهار از این اقدام

قوام السلطنه تقدیر کرد و نوشت: «منتظرند تا به زودی انجمن بلدی تشکیل شده و وسایل جمع‌آوری دائمی فقرا تهیه شود» (بهار، ۱۳۲۷ق: س ۲، ش ۳۸، ص ۲).

قوام السلطنه در زمستان ۱۳۲۷ق/۱۹۱۹م به تلاش ادامه داد. یکی دیگر از اقدامات مؤثر قوام السلطنه در این زمینه، برگزاری انتخابات بلدی بود. اعضای بلدی که باید نقش مهمی در رفع بحران قحطی ایفا می‌کردند پس از انتخابات، مشغول تشکیل جلسه شدند تا راجع به نیازهای بلدی مذاکره کنند. در زمستان ۱۳۲۷ق/۱۹۱۹م اعلام شد، مجمعی راجع به حوائج بلدی از طرف مبعوثان بلدی تشکیل شده و مطابق تصمیم آن‌ها اعلانی نیز منتشر شد (بهار، ۱۳۲۷ق: س ۲، ش ۲۷، ص ۲). با وجود این تلاش‌ها، کارشکنی‌های تولیت آستانه درباره محل استقرار دارالعجزه در سال بعد، موانعی برای تداوم آن فعالیت ایجاد کرد. تولیت آستانه در ۷ جمادی الثانی ۱۳۲۸ق/۱۹۱۹م طی

نامه‌ای به ریاست بلدیة مشهد خبر عدم واگذاری منزل مورد نظر برای ایجاد دارالعجزه را اعلام نمود، زیرا با وجود تخلیه این منزل آن را برای امر مهم‌تری لازم داشتند و پیشنهاد شد بلدیة محل دیگری برای دارالعجزه تدارک ببیند (ساکماق، شماره بازیابی: ۱۱۱۲۹۸، ص ۱). رئیس بلدیة در پاسخ به این خبر تلاش کرد تولیت آستانه را از این اقدام منصرف کند و یادآور شد، این موسسه خیریه به همت عالیہ حضرت عالی دایر گردیده و ماهی بیست و پنج تومان از کیسه تولیت و بیست و پنج تومان هم از طرف آستانه به صندوق آن واریز می‌گردد که آن مبلغ هم در غیاب تولیت از طرف جانشینش مساعدت نشد. فقط همین منزل به دارالعجزه واگذار شده بود که ماهی پانزده تومان کرایه آن دریافت نمی‌شد که حالا دستور داده شده محل آن را تخلیه کنند (ساکماق، شماره بازیابی: ۱۰۵۲۴۷، ص ۲).



نامه تولیت آستان قدس به رئیس بلدیة مشهد در رابطه با عدم واگذاری محل دارالعجزه (ساکماق، شماره بازیابی: ۱۱۱۲۹۸/۱).

تهدیدستان مشهد تأسیس کنند. میرزا احمد طهرانی با تصمیم کمیسیون مزبور به‌عنوان مدیر دارالمساکین انتخاب شد. دارالمساکین صنف بزاز در کوچه سرشور برقرار شد. عمده کمک‌های صنف بزاز، تهیه پوستین، پیراهن، شلوار، سوخت و سایر مایحتاج برای فقرا و نیازمندان بود. اعانه نگهداری فقرا در دارالمساکین صنف بزاز به‌طور ماهیانه از طرف بزازخانه‌های مشهد پرداخت می‌گردید (شرق ایران، ۱۳۲۶ق: س ۳، ش ۱۵، ص ۴).

علاوه بر فعالیت‌های برخی از دولتمردان در جهت زدودن فقر و رفع بحران قحطی از مشهد، گروهی از اصناف مشهد نیز با ایجاد دارالمساکین کمک‌های شایان‌ذکری برای دستگیری از فقرا و تهیدستان در سال‌های قحطی در مشهد انجام دادند. از میان اصناف مشهد، صنف بزاز به‌طور مشخصی وارد گعده کمک‌رسانی به فقرا شد. صنف بزاز در اواخر صفر ۱۳۲۶ق/۱۹۱۸م برای جمع‌آوری بخشی از جمعیت فقرا، کمیسیون ۷ نفره‌ای تشکیل داد. در این کمیسیون قرار شد یک دارالمساکین برای دستگیری از ۵۰ نفر از فقرا و

## هیئت خیریه آذربایجانی‌ها

آذربایجانی‌ها از گروه‌های عمده مهاجر در مشهد بودند که در روزهای سخت قحطی، «هیئت خیریه آذربایجانی‌ها» را تشکیل دادند. برخی از تجار آذربایجانی مقیم مشهد از جمله حاجی رستم آقای قراباغی، حاج عبدالحسین آقای زوار، حاج یوسف وهاب اوف، حاج هاشم آقا تبریزی، یوسفعلی آقا سلماسی، حاجی ابوالقاسم آقا رضایوف، اسماعیل آقا اتیقچی، جلیل آقا خامنه، محمدجعفر آقا میلانی، علی آقا اتیقچی، اسماعیل سیگاری، مشهدی وهاب تبریزی، یوسف تبریزی مشهور به سرخسی، محمدتقی دستمالچی، مشهدی عبدالله تاجرباشی، غلامحسین باقرزاده، حاج شیخ رضا اردبیلی، مشهدی کاظم خامنه، حاجی محمد آقا سلماسی، محمدصادق آقا تبریزی، حاجی ابوالقاسم آقا مغازه، مشهدی زین‌العابدین اسکویی، حاجی ملا محمود خوئی، ابوالقاسم آقا حسین‌اف، آقا مشهدی محمدحسین صراف در صفر ۱۲۳۶ ق/ ۱۹۱۸ م اقدام به تأسیس خیریه‌ای بنام هیئت خیریه آذربایجانی‌ها کردند. هیئت آذربایجانی‌ها درصد جمع‌آوری اعانه برآمد تا افراد نیازمند از سادات و دیگر مستمندان که نمی‌توانستند اظهار عسرت نمایند را با پرداخت اعانه دست‌گیری نمایند. تجار آذربایجانی مبلغ ۲۵۰۰ تومان به‌عنوان اعانه در اختیار هیئت خیریه آذربایجانی‌ها برای کمک به مستمندان قرار دادند (شرق ایران، ۱۳۲۶ ق: س ۳، ش ۲۱، ص ۲). روزنامه شرق ایران اقدامات نوع‌پرستان آذربایجانی‌ها را ستود و عموم تجار و اهالی را در همراهی با این هیئت دعوت نمود تا نتیجه اقدامات و اسامی اعانه‌دهندگان را به اطلاع عموم رساند (شرق ایران، ۱۳۲۶ ق: س ۳، ش ۱۶، ص ۲). هدف اصلی از تشکیل «هیئت خیریه آذربایجان» جمع‌آوری اعانه برای دست‌گیری از اشخاص بی‌بضاعت بود که موقعیت اجتماعی آنان اجازه نمی‌داد تکدی کنند و به مردم مزاحمت دهند (شرق ایران، ۱۳۲۶ ق: س ۳، ش ۲۱، ص ۲).

## مؤسسات خیریه خارجی

خارجی‌های مقیم مشهد از جمله قفقازی‌ها، میسیون‌های مذهبی آمریکایی و انگلیسی‌ها در همدلی و همراهی با مردم قحطی‌زده و برای رفع بحران قحطی در مشهد فعالیت‌های خیرخواهانه انجام دادند.

## اقدامات قفقازی‌ها

قفقازی‌های مقیم مشهد که گروهی بانفوذ بودند با تأسیس کمیته‌های اجرائیه قفقازی‌های مقیم مشهد و هیئت هوسکاران قفقازی در مشهد تلاش کردند تا با امور خیریه در رفع بحران قحطی در مشهد مؤثر واقع شوند.

### کمیته اجرائیه قفقازی‌های مقیم مشهد

با وقوع انقلاب اکتبر در روسیه و فقدان والی خراسان و اداره بلدیّه، وضعیت اتباع روسی مقیم مشهد نیز دگرگون شد. در این شرایط بحرانی برای کاهش اثرات منفی قحطی در مشهد تشکیلات مردمی جدیدی از طرف مهاجران قفقازی در مشهد شکل گرفت که «کمیته اجرائیه قفقازی‌های مقیم مشهد» از آن جمله بود. اگرچه یکی از علل تشکیل کمیته اجرائیه قفقازی‌ها کمک به آسایش فقرای قفقازی مشهد بود ولی علل دیگری نظیر بروز انقلاب روسیه نیز بر آن مؤثر بود. کمیته اجرائیه قفقازی‌ها با انتخاب آقا میر مرتضی موسوی، دکتر ابوالفتح‌خان نصیر بیگوف، آقا میرعزیز محمداف، میرزا علی‌آقا ایروانی و میرزا اسد علیزاده صادق‌اف در اواخر ذیحجه ۱۳۲۵ ق/ ۱۹۱۷ م از سوی قفقازی‌های مقیم مشهد، رسماً فعالیت خود را آغاز کرد (شرق ایران، ۱۳۲۵ ق: س ۳، ش ۲، ص ۳). یکی از اولین اقدامات کمیته اجرائیه قفقازی‌ها در این ایام، کمک به آسایش فقرای قفقازی مقیم مشهد بود و تصمیم گرفتند برای آسایش هم‌وطنان خود یک دربند دکان خبازی مخصوص بازکرده، نان را به قیمت معینی بفروشند. روزنامه شرق ایران این اقدام قفقازی‌ها را ستود و آن را به معنی واقعی «نوع‌پرستی» معرفی کرد (شرق ایران، ۱۳۲۶ ق: س ۳، ش ۱۳، ص ۲). اقدام ابتکاری دیگر کمیته اجرائیه قفقازی‌ها در این زمینه چاپ بلیت‌های (کوپن) مخصوص برای فقرای قفقازی بود که به‌وسیله آن می‌توانستند نان را هر یک‌من، دو قران دریافت کنند (شرق ایران، ۱۳۲۶ ق: س ۳، ش ۱۷، ص ۱). این اقدامات انسان‌دوستانه کمیته، واکنش‌های داخلی نیز به دنبال داشت. در این راستا، از سوی مدیر خبازخانه مشهد از ارزان‌فروشی نان توسط ناوایی به قفقازی‌ها انتقاد شد (شرق ایران، ۱۳۲۶ ق: س ۳، ش ۲۵، ص ۴). ولی قفقازی‌ها در ۱۰ بهمن (ذیقعه) ۱۳۲۶ ق/ ۱۹۱۸ م هدف خود را آسایش و رفاه فقرا اعم از قفقازی و غیره اعلام کردند (شرق ایران، ۱۳۲۶ ق: س ۳،

ش ۲۷، ص ۲). علاوه بر این، کمیته اجرائیه قفقازی‌ها برای کمک به فقرا، از جشن‌های ملی مانند نوروز باستانی استفاده کردند. آن‌ها در این راستا تصمیم گرفتند هزینه‌های نوروز سال ۱۳۳۶ق/۱۹۱۸م را به نفع فقرا جمع‌آوری نماید (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س ۳، ش ۳۴، ص ۲). کمیته اجرائیه قفقازی‌ها یک انسجام درونی بین این مهاجران در مشهد ایجاد کرد که مهم‌ترین هدفش رفع مشکل قحطی و گرانی بود.

### هیئت هوسکاران قفقازی

بخش دیگری از فعالیت قفقازی‌های مقیم مشهد جهت کمک به فقرا از طریق اجرای برنامه‌های هنری و تئاتر انجام گرفت که این‌گونه اقدامات خیریه، تأثیرگذار بود. قفقازی‌های مشهد «صندوق جمعیت خیرین قفقازیان مشهد» را تأسیس کرده بودند که درآمد کسب‌شده از آن طریق را صرف امور خیریه می‌کردند. تئاترهای قفقازی نیز توسط «هیات هوسکاران قفقازی» به اجرا درمی‌آمد. تئاتر «اوالماسون-بوالسون» یعنی «او نباشد این باشد» نوشته عزیزبیک حاجینسکی، از اولین نمایش‌های هیات هوسکاران قفقازی بود که در روز یکشنبه ۸ جمادی‌الاول ۱۳۳۶ق/مارس ۱۹۱۸م به همت عده‌ای از جوانان قفقازی به نمایش گذاشته شد و قرار بود عواید آن پس از وضع مخارج به «صندوق جمعیت خیرین قفقازیان مشهد» تحویل داده شود (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س ۳، ش ۳۲، ص ۴). هیئت جوانان قفقازی پس از نمایش تئاتر اعلام کرد، عواید حاصل از این تئاتر پس از وضع مخارج به «صندوق جمعیت خیرین قفقازیان مشهد» تحویل داده خواهد شد. این تئاتر که مورد استقبال عمومی قرار گرفت در ۸ جمادی‌الاول ۱۳۳۶ق/۱۹۱۸م یک‌بار دیگر به نمایش گذاشته شد و جوانان قفقازی اعلام کردند عایدی آن پس از وضع مخارج کماکان به «صندوق جمعیت خیریه قفقازیان مشهد» برای پرداخت اعانه فقرا تقدیم خواهد شد. در این آگهی برای تشویق عمومی و افزایش درآمدها، اعلام شده بود «مسلم است که خیرخواهان به خریدن بلیط‌های این نمایش عالی مبادرت

کرده و از مساعدت با فقرا خودداری نخواهند نمود» (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س ۳، ش ۳۲، ص ۴). اگرچه هدف اصلی از نمایش این تئاترها جمع‌آوری کمک‌های خیریه بود از بهار ۱۳۳۷ق/۱۹۱۸م که مشکلات اقتصادی و گرسنگی در مشهد کمی کاهش یافت، هیئت قفقازی‌های اهداف خیریه خود را به‌سوی امور بهداشتی سوق داد و نمایشنامه «آرشین مال‌آلان» را به اجرا درآوردند تا عواید آن را صرف خرید لوازم طبی و جراحی دارالشفاء آستانه کنند (بهار، ۱۳۳۷ق: س ۲، ش ۶۳، ص ۱).

### اقدامات میسیون آمریکایی

میسیونرهای آمریکایی یکی دیگر از گروه‌هایی بودند که با بروز قحطی در مشهد، فعالیت‌های خیریه خود را برای رفع آن افزایش دادند. سابقه حضور آنان در مشهد نیز هم‌زمان با جنگ اول جهانی بود. گزارش‌های موجود نشان می‌دهند میسیونرهای مذهبی آمریکایی نخستین بار در ۱۳۲۴ق/۱۹۱۵م برای درمان بیماران در کوچه ارگ مشهد مریض‌خانه‌ای تأسیس کردند (مدرس‌رضوی، ۱۳۸۶: ۱۶۵) که در آن شرایط تا حدودی از مرگ و میر بیماران در مشهد کاسته شد. دکتر کوک<sup>۱</sup> و همسرش از پزشکان آمریکایی بودند که از طرف میسیون آمریکایی در ۱۳۳۵ق/۱۹۱۶م به‌طور موقت برای انجام خدمات پزشکی به مشهد اعزام شدند. اما، آن‌ها سال بعد مشهد را ترک کردند و جای خود را به دکتر هوفمان<sup>۲</sup> دادند. هوفمان از پزشکان آمریکایی بود که برای مدت طولانی در مشهد زندگی کرد (الدر، ۱۳۲۳: ۷۵). باین‌حال، شروع رسمی فعالیت‌های خیریه آمریکایی‌ها در ایران، در پی پیشنهاد ایران مبنی بر درخواست وام یک‌میلیون تومانی بود. طبق تلگراف کالدول<sup>۳</sup> در ۱۷ آوریل ۱۹۱۸م/۱۳۳۶ق قرار بود کل این مبلغ به‌طور گسترده برای برطرف کردن قحطی و زیر نظر وی به کار گرفته شود. اما قوانین آمریکا پرداخت وام را تنها برای کشورهای مجاز می‌دانست که درگیر جنگ با آلمان بودند، لذا برای رعایت این قوانین، دولت آمریکا انجمن‌های خیریه را تشویق کرد تا جایی که امکان دارد برای بهبود اوضاع ناگوار ایران کمک کنند. این اقدامات با

4. Caldwell

2. Cook

3. Hoffman



تلگراف شولر، دبیر کمیته امداد آمریکا در ایران در ۱۶ مارس ۱۹۱۸م/ ذیقعه ۱۳۲۶ق به نیویورک: روزانه، حدود بیست هزار نفر از فقرای تهران توسط میسیون‌های آمریکایی اطعام می‌شدند و دامنه اقدامات شامل همدان، قزوین، کرمانشاه و سلطان‌آباد نیز می‌شد (مجد، ۱۳۸۶: ۴۸). به‌هرحال، دولت آمریکا از نیمه اول قرن نوزدهم اهداف استعماری‌اش را همانند روسیه و انگلستان در ایران آشکار نکرده بود. آمریکایی‌ها در دوره قاجار همواره نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را از طریق گروه‌های تبشیری، میسیون‌های مذهبی، خدمات پزشکی و فعالیت‌های خیرخواهانه در سرتاسر ایران گسترش می‌دادند. همین کمک‌های خیریه آمریکایی‌ها در قالب فعالیت میسیون‌های مذهبی در زمان جنگ اول جهانی و قحطی خراسان بود که بر محبوبیت آنان در مشهد افزود و به تدریج زمینه ایجاد درمانگاه، مدرسه و کلیسا را در یک دهه بعد فراهم کرد، بدون آنکه دولتمردان و مردم نسبت به اهداف استعماری آمریکایی‌ها آگاهی درستی داشته باشند.

#### اقدامات کنسولگری انگلیس

انگلیسی‌ها با اشغال نظامی خراسان در ایجاد بحران قحطی مؤثر بودند، ولی پس از تثبیت موقعیت خود اقدامات خیرخواهانه‌ای در مشهد شروع کردند. انگلیسی‌ها در این زمینه به متکدیان و فقرا نان و غذا می‌دادند. روزنامه شرق ایران در زمستان ۱۳۲۶ق/ ۱۹۱۸م گزارش داد همه‌روزه از طرف کنسولگری دولت بریتانیا مقیم مشهد مقداری نان به ارباب تکدی مشهد داده می‌شود و گدایان برای اخذ نان در پشت درب کنسولگری مجتمع شده مأمورین دولت بریتانیایی را دعا می‌کنند. بنا به نوشته این روزنامه، انگلیسی‌ها علی‌الظاهر این اقدام را به‌عنوان نوع‌پرستی و ترحم به حال فقرا انجام می‌دادند و این امر برای وطن‌پرستان واقعی خوشایند نبود. به همین جهت روزنامه شرق ایران در انتقاد از این اقدام نوشت: «خداوند حس و تعصبی بما مردم ایران عنایت بفرماید تا فقرای خود را نگهداری کرده تن زیر این‌گونه بارهای ننگ‌آور ندهیم» (شرق ایران، ۱۳۲۶ق: س ۳، ش ۲۴، ص ۲). اقدام خیریه انگلیسی‌ها اثرات منفی نیز به

مدیریت کمیته‌های موسوم به کمیته امداد رسانی ایران متشکل از میسیون‌های آمریکایی مقیم و ایرانیان سرشناس انجام می‌گرفت. کالدول همچنین خبر داد تمام منابع مالی دریافت شده برای کمک‌رسانی به ایران از آمریکا ارسال شده و تاکنون مبلغ چهارصد و سی‌وپنج هزار دلار رسیده است. وی تردیدی نداشت که پس از این، مبالغ بیشتری برای کمک به ایران در قالب امور خیریه ارسال خواهد شد. طبق گزارش کالدول با کمک میسیون‌های آمریکایی در مشهد، همدان و کرمانشاه کمک به فقرا در حال انجام بود. گزارش او نشان می‌دهد در شهرهای مشهد و همدان کمک‌رسانی در مقیاس گسترده‌ای انجام گرفته است تا جایی که روزانه در حدود نه هزار نفر از فقرا و مستمندان اطعام می‌شدند (مجد، ۱۳۸۶: ۱۹۹-۲۰۰).

میسیون آمریکایی مشهد گزارش‌های مفصلی از وضعیت قحطی و کمبود مواد غذایی ارائه داده است که در جلب کمک‌های خیریه آمریکایی‌ها مؤثر بود. نشریه نی‌یرایست چاپ لندن در شماره ۱۲ آوریل ۱۹۱۸م/ رجب ۱۳۲۶ق ضمن تهیه گزارشی از مشهد به توصیف اوضاع در نوامبر ۱۹۱۷م/ محرم ۱۳۲۶ق پرداخت. کالدول در مقاله ارسالی خود با عنوان «اوضاع در شمال شرق ایران» مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۱۷م/ محرم ۱۳۲۶ق نوشته است: «گمان می‌کنم دولت‌های بزرگ معمولاً در زمان جنگ درگیر کارهای بشردوستانه نمی‌شوند. با این‌حال گاهی اوقات می‌شنویم که چنین می‌کنند. اگر انگلیسی‌ها تنها نوعی تجارت را برای تسهیل انتقال کالا از هند به خراسان و تا مشهد راه بیندازند، نه تنها عملی انسان-دوستانه است، بلکه سود سرشاری نیز دربر خواهد داشت» (مجد، ۱۳۸۶: ۷۰-۷۲). گزارش‌های پدر روحانی، ال.اف. اسلتین<sup>۵</sup>، یکی از اولین میسیون‌های آمریکایی فعال در مشهد نشان می‌دهد: در ژانویه ۱۹۱۸م/ ۱۳۲۶ق مردم فقیر مشهد به دلیل کمبود غذای روزانه به شدت در رنج هستند و آمریکایی‌ها با شرایطی که داشتند تنها تعداد کمی از آن‌ها را هر روز ظهر با پولی که در اختیار داشتند، اطعام می‌کردند (مجد، ۱۳۸۶: ۷۰). اقدامات خیریه میسیون‌های آمریکایی معطوف به شرق ایران و مشهد نبود چراکه طبق

دنبال داشت. امری که عمدی یا غیرعمدی بودن آن مشخص نبود، ولی چنان مشهود بود که روزنامه شرق ایران به آن اشاره کرد و درباره آن نوشت: «مردم پس از اینکه از کنسولگری انگلیس برمی‌گردند در مسیر راه در بازار از مغازه‌ها هرچه سر راهشان هست برمی‌دارند» (شرق ایران، ۱۳۳۶ق: س ۳، ش ۳۴، ص ۲). در گزارش دیگری که باید با تردید به آن نگاه کرد، آمده است که سرهنگ دوم ویلیام جورج گری<sup>۱</sup>، سرکنسول انگلیس (۱۹۲۱-۱۹۱۶م) در اواخر سال ۱۳۳۶ق/۱۹۱۸م روزانه حدود شش هزار نفر از ساکنین مشهد را غذا و خوراک می‌داد (مابری، ۱۳۶۹: ۴۰۲). بعد از ورود قوای نظامی انگلیس به مشهد هنوز قحطی بر شهر حاکم بود. ایس در اواخر سال ۱۳۳۶ق/۱۹۱۸م از شیوع فقر، گرسنگی و مرض در شهر یاد کرده و یادآور می‌شود؛ اگرچه وضع غذایی در سراسر ایران بد بود ولی نسبت به زمستان گذشته که قحطی بسیاری از نقاط شمالی و غربی ایران را دربرگرفت، بهبود حاصل شده است. ایس به کمک-های غذایی تحت نظارت ارتش نیز اشاره کرده که هیات

مالسون مقادیر معتدایی مواد غذایی فراهم آورد تا در میان اهالی تقسیم کند. امر تقسیم این مواد را نیروهای نظامی بر عهده داشتند. ایس علت سپردن این عمل به عهده ارتش را نیز توضیح داده که در کشورهای شرقی هنگامی که کمک-رسانی از طریق عوامل محلی انجام می‌گیرد، بسیاری از تدارکات مزبور حیف و میل می‌گردد (ایس، ۱۳۷۲: ۱۷۲). افزون بر این، با خروج نیروهای روسیه از ایران پس از انقلاب اکتبر روسیه، انگلیسی‌ها دنبال محکم کردن جای پای خود در ایران بودند. اقدامات خیریه کنسول انگلیس در مشهد را نیز در این راستا می‌توان بررسی کرد. انگلیسی‌ها برای نفوذ بیشتر در بین مردم ایران پس از عملیات نظامی و تثبیت موقعیتشان، با کمک‌های بشردوستانه و فعالیت‌های خیریه از جمله تقسیم غذا در بین مردم قحطی‌زده بیشتر شهرهای ایران به‌ویژه مردم مشهد، تلاش‌های زیادی انجام می‌دادند که اطعام روزانه شش هزار نفر از فقرا مشهود نمونه‌ای از آن اقدامات بود.

#### مؤسسات خیریه داخلی و خارجی در مشهد در زمان جنگ اول جهانی

۱. دارالعجزه (۱۳۳۶-۱۳۳۲ق)	حاج سیدجواد ظهیرالاسلام (تولیت آستان قدس)، عبدالکریم محقق‌الدوله (کارگزار خراسان)، میرزا عزیزالله کفائی رضوی، معتمدالوزاره (رئیس پست خراسان) از شخصیت‌های مهم و مؤسسين دارالعجزه در مشهد بودند. هدف از تأسیس دارالعجزه مشهد ارائه خدمات فوری به فقرا و مستمندان در زمان قحطی، ایجاد سرپناه برای حفاظت از سرما و رفع گرسنگی بود. دارالعجزه مشهد به دلایلی از جمله کمبود منابع مالی، زمان‌بر بودن تأسیس آن و نبود زمینی مناسب برای احداث ساختمان دارالعجزه در سال ۱۳۳۶ق مسکوت ماند.	مؤسسات خیریه داخلی
۲. دارالمساکین (۱۳۳۶-۱۳۳۵ق)	آیت‌الله زاده، معتمدالوزاره (مدیر دارالمساکین مشهد)، قوام‌السلطنه، حاج ملاهاشم تبریزی، میرزا احمد طهرانی (از صنف بزازهای مشهد و مدیر دارالمساکین صنف بزاز) از مؤسسين دارالمساکین در مشهد بودند. آن‌ها باهدف جمع‌آوری فقرا و ایتم مشهد و ایجاد سرپناه (گرمخانه) در زمان قحطی مشهد در زمان جنگ اول جهانی اقدام به تأسیس دارالمساکین کردند. در دارالمساکین به هر یک از فقرا در طی شبانه‌روز نان، آش و کشمش برای تغذیه می‌دادند.	
۳. هیئت خیریه آذربایجانی‌ها (۱۳۳۶ق)	گروهی از آذربایجانی‌های مقیم مشهد از جمله تجار آذربایجانی (حاجی رستم آقای قربانغی، حاج عبدالحسین آقای زوار، حاج یوسف وهاب اوف، حاج هاشم آقا تبریزی، یوسفعلی آقا سلماسی، جلیل آقا خامنه، محمدجعفر آقا میلانی، مهدی وهاب تبریزی، یوسف تبریزی حاج شیخ رضا اردبیلی، مهدی کاظم خامنه، حاجی محمد آقا سلماسی، محمدصادق آقا تبریزی، مهدی زین‌العابدین اسکوتی، حاجی ملا محمود خوتی و غیره) با جمع‌آوری اعانه برای دستگیری از فقرا و مستمندان اقدام به تأسیس هیئت خیریه آذربایجانی‌ها کردند.	

مؤسسات خیریه خارجی	۱. قفقازی‌های مقیم مشهد	۱. کمیته اجرائیه قفقازی‌های مقیم مشهد: مهاجران قفقازی مشهد برای کمک به آسایش فقرای قفقازی کمیته اجرائیه قفقازی‌ها را در سال ۱۳۳۶ق/۱۹۱۷م در مشهد تأسیس کردند. کمیته مزبور باهدف زدودن آثار قحطی و گرانی در مشهد خبازخانه‌ای تأسیس کرد و نان را باقیمت ارزان در اختیار فقرای قفقازی قرار می‌داد.
	۲. میسیون‌های آمریکایی	۲. هیئت هوسکاران قفقازی: گروهی از قفقازی‌های مشهد باهدف کمک به فقرای قفقازی، هیئت هوسکاران قفقازی را در سال ۱۳۳۶ق/۱۹۱۷م تأسیس کردند. هیئت هوسکاران قفقازی عواید حاصل از فعالیت‌های هنری‌شان را در زمان جنگ اول جهانی برای کمک به فقرای قفقازی و خرید لوازم پزشکی دارالشفاء آستان قدس اختصاص می‌دادند.
	۲. انگلیس کنسولگری	میسوین‌های آمریکایی از سال ۱۳۳۴ق فعالیت‌های خیریه خود را با افتتاح مریضخانه در مشهد آغاز کردند. آمریکایی‌ها همچنین برای رفع بحران قحطی در مشهد روزانه وعده‌های غذایی بین فقرا تقسیم می‌کردند.
	کنسولگری انگلیس در سال ۱۳۳۶ق در زمان جنگ اول جهانی روزانه مقادیر زیادی نان و غذا برای رفع بحران قحطی در بین فقرا و مستمندان مشهد تقسیم می‌کرد.	

## (مأخذ: نگارندگان)

## اهداف مؤسسات خیریه در مشهد زمان جنگ اول جهانی

با وقوع جنگ اول جهانی و بروز قحطی در مشهد، گروه‌های مختلف داخلی و خارجی که شاهد وضعیت بحرانی مردم بودند، متناسب با امکانات موجود اقداماتی برای کاهش آلام قحطی‌زدگان و گرسنگان انجام دادند که ایجاد مؤسسات خیریه یکی از این اقدامات بود. هدف غایی مؤسسات خیریه داخلی که به‌وسیله برخی از متمولین، منورالفکران و علماء مشهد در زمان جنگ اول جهانی تشکیل شده بود، پرداخت اعانه جهت خرید نان، غذا، پوشاک و تهیه سرپناه برای فقرا و مستمندان مشهد بود. تا از آن طریق بتوانند مردمی که دچار قحطی شده بودند را از مرگ و میر نجات دهند. مؤسسات خیریه خارجی که شامل هیئت مهاجران قفقازی (کمیته اجرائیه قفقازی‌ها و هیئت هوسکاران قفقازی) میسیون‌های آمریکایی و کنسولگری انگلیس می‌شد با روش‌های مختلف و با توجه به امکانات خود به مردم قحطی‌زده مشهد کمک کردند. مهاجران قفقازی در دو بعد اجتماعی و فرهنگی فعالیت‌های خود را پیش می‌بردند. در بُعد اجتماعی، برخی از فعالان سیاسی و اقتصادی قفقازی با پرداخت اعانه، احداث خبازخانه و تهیه دارو برای فقرا و مستمندان قفقازی در مشهد سعی می‌کردند مانع از تکدی‌گری هموعان و مهاجران قفقازی شوند. مهاجران قفقازی مشهد در ابعاد

فرهنگی نیز با برگزاری تئاترهای موردنظرشان علاوه بر ترویج فرهنگ و آداب و رسوم خودشان در بین مردم مشهد با کسب درآمد از راه اجرای نمایش‌نامه‌ها و کمک به فقرا و مستمندان مسلمان قفقازی به رفع بحران قحطی در مشهد یاری رساندند. میسیون‌های آمریکایی مقیم مشهد نیز در رفع بحران قحطی مشهد مؤثر بودند. آنان که باهدف تبلیغ مسیحیت به مشهد آمده بودند از راه‌های مختلف به فعالیت تبلیغی خود وارد شدند. ابتدا از طریق ارائه خدمات پزشکی، مریض‌خانه‌ای تأسیس کردند و در زمان بروز قحطی مشهد تلاش کردند با همکاری مالی دولت آمریکا از طریق پرداخت اعانه برای غذا و خدمات پزشکی به فعالیت بپردازند، هرچند که هدف غایی آن‌ها ترویج مسیحیت و نفوذ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در جامعه ایران بود. کنسولگری بریتانیا یکی دیگر از مؤسسات خارجی فعال در زمان جنگ اول جهانی در مشهد بود. کنسولگری دولت انگلیس پس از سقوط روسیه تزاری یکی از مهم‌ترین کنسولگری‌های فعال در مشهد بود که با حذف رقیب دیرینه‌اش در زمینه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران به قدرتی بلامنازع تبدیل شد. این کنسولگری که با تأمین مایحتاج نیروی نظامی کمربندی شرقی از طریق خالی کردن انبارهای غله خراسان به ایجاد بحران و کمبود مواد غذایی

دامن زده بود، با اهداف تبلیغی و نشان دادن وجهه انسانی کمک به نیازمندان و فقرا را در مشهد در رأس امور قرار داد تا جایی که کنسولگری بریتانیا به کانون توجه نیازمندان تبدیل شده بود.

### نتیجه‌گیری

هم‌زمان با جنگ اول جهانی عواملی همچون نبود امنیت، کمبود راه‌های ارتباطی مناسب، خشکسالی، ضعف مدیریت، احتکار و حضور نیروهای خارجی باعث کمبود مواد غذایی و بروز قحطی در بیشتر مناطق ایران از جمله مشهد شد که طی آن مردم زیادی از فقر و گرسنگی جان سپردند. در مشهد ناتوانی دولت و حکومت محلی در مدیریت بحران قحطی یکی از علل اصلی شکل‌گیری مؤسسات خیریه داخلی مانند دارالعجزه و دارالمساکین در سطح شهر بود. ضعف ساختار سیاسی و اداری باعث شد برای مقابله با بحران قحطی، گروه‌های اجتماعی از جمله تجار آذربایجانی مقیم مشهد با پرداخت اعانه، به‌طور مستقل به اقداماتی برای رفع نیازهای اولیه فقرا در مشهد پرداختند، هرچند که فعالیت‌های افراد و گروه‌های مستقل نیز با مشکلات زیادی مواجه می‌شد. تشکیل دارالعجزه و دارالمساکین در مشهد از دیگر اقدامات مهم اجتماعی بود که در ۱۳۳۴ ق به همت خیرین و دولتمردانی نظیر ظهیرالاسلام (متولی آستان قدس) و محقق‌الدوله (کارگزار خراسان) شکل گرفت، هرچند طول عمر این نوع از مؤسسات در مشهد به دلیل مخارج زیاد و زمان‌بر بودن احداث ساختمان‌های چندین‌پایید. عمده‌ترین خدماتی که در دارالعجزه به فقرا و مستمندان ارائه می‌شد، تهیه سریناه، ارائه وعده‌های غذایی و تهیه پوشاک بود. با انتصاب قوام‌السلطنه به‌عنوان والی خراسان در اوایل سال ۱۳۲۷ ق/۱۹۱۸ م امنیت به خراسان و مشهد بازگشت و ارائه خدمات خیریه در قالب مؤسساتی مانند دارالمساکین رسمیت بیشتری یافت. او با برگزاری انتخابات بلدیة تلاش کرد کمک‌های خیریه در قالب نهادی رسمی و مردمی نقش پررنگی در کنترل بحران قحطی داشته باشد. دارالمساکین که به‌طور مقطعی و بیشتر در فصول سرد سال شکل رسمی به خود می‌گرفت، با جمع‌آوری فقرا، ارائه وعده‌های غذایی، ایجاد گرمخانه و اعزام برخی از کودکان فقیر به کارگاه‌های قالی‌بافی در رفع آثار قحطی از چهره آن دست از مردم نیازمند

مشهد که با مشکلات اقتصادی و معیشتی مواجه بودند، نقش مهمی ایفا کرد. علاوه بر مؤسسات داخلی، برخی از مؤسسات خارجی در مشهد در زمان جنگ اول جهانی اقدام به فعالیت‌های خیریه در راستای زدودن آثار قحطی از چهره شهر کردند. در این بین می‌توان به فعالیت مهاجران قفقازی مقیم مشهد در قالب کمیته اجرائیه قفقازی‌ها، صندوق جمعیت خیرین قفقازیان مشهد و هیئت هوسکاران قفقازی اشاره کرد. قفقازی‌های مقیم مشهد با احداث خبازخانه و جمع‌آوری اعانه از طریق اجرای نمایش، ارائه وعده‌های غذایی به فقرا به‌ویژه فقرای قفقازی و تهیه لوازم و تجهیزات پزشکی، نقش مهمی در رفع گرسنگی و کاهش بحران قحطی در مشهد ایفا کردند. افزون بر مهاجران قفقازی مقیم مشهد، مسیون‌های مذهبی آمریکایی که از اوایل قرن نوزدهم با کمک‌های خیریه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در ایران دنبال می‌کردند، با احداث بیمارستان، اعزام پزشک به مشهد، ارائه خدمات پزشکی و اطعام بخش عمده‌ای از فقرا و مستمندان در اغلب شهرهای ایران از جمله مشهد در زمان جنگ اول جهانی، کمک‌های خیریه شایان توجهی انجام دادند. با اینکه کمک‌های کنسولگری انگلیس از نگاه برخی مطبوعات مایه تأسف گروهی از میهن‌دوستان شده بود، فعالیت‌های انسان‌دوستانه‌اش را در قالب تقسیم نان و غذا در میان حدود شش هزار نفر از فقرا و مستمندان مشهد انجام می‌داد تا به رفع گرسنگی و قحطی حاصل از کمبود نان، گندم و سایر اقلام ضروری مدد رساند. توجه به این موضوع مهم است که هرچند اقدامات خیریه و بشردوستانه آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها در مشهد با استقبال مردم مواجه شده بود، اما می‌بایست فعالیت آن‌ها را در قالب نفوذ نرم در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی مورد ارزیابی قرار داد.

### فهرست منابع

۱. الدر، جان. (۱۳۳۲). *تاریخ میسیون آمریکائی در ایران*. ترجمه سهیل آذری. تهران: نورجهان.
۲. ایس، سی. اچ. (۱۳۷۲). *دخالت نظامی بریتانیا در شمال خراسان*. ترجمه کاوه بیات. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).



۳. ترابی، سهیلا. (۱۳۷۰). «نگاهی به وضعیت ارزاق در ایران در سال‌های جنگ جهانی اول». *گنجینه اسناد*. (شماره ۳-۴)، ۲۴-۳۲.
۴. جلالی، غلامرضا. (۱۳۸۷). *مشاهیر مدفون در حرم رضوی*. ج ۳. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۵. خلیفه، مجتبی، و علی نجف‌زاده. (۱۳۹۰). «دارالفنون رضوی ایده‌ای برای مقابله با فعالیت‌های هیات تشیری پرس بیتریان در مشهد». *مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ*. (شماره ۸۷)، ۹-۲۵.
۶. سلیمانی، کریم. (۱۳۷۹). *القاب رجال دوره قاجار*. تهران: نشرنی.
۷. شهوازی، ستار. (۱۳۸۲). *نام‌ها و نامه‌ها، روایتی از روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران خراسان در دوران قاجاریه*. مشهد: ایوار.
۸. عین‌السلطنه، قهرمان میرزا. (۱۳۷۸). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*. ج ۷. به‌کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر.
۹. قطبی، بهروز. (۱۳۷۰). *اسناد جنگ اول جهانی در ایران*. تهران: قرن.
۱۰. کاویانین، محمد. (احتشام‌الدوله) (۱۳۵۵). *شمس الشموس یا تاریخ آستان قدس*. مشهد: آستان قدس.
۱۱. گلشن آزادی، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). *صدسال شعر خراسان*. به‌کوشش احمد کمالپور. مشهد: مرکز آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.
۱۲. *گزیده اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول: ۱۳۳۲ق تا ۱۳۴۰ق (۱۹۱۶-۱۹۲۴م)*. (۱۳۷۴). به‌کوشش محمد نادر نصیری مقدم. تهران: وزارت امور خارجه.
۱۳. مابری، جیمز فردریک. (۱۳۶۹). *عملیات در ایران*. ترجمه کاوه بیات. تهران: رسا.
۱۴. متولی حقیقی، یوسف. (۱۳۹۲). *تاریخ معاصر مشهد (پژوهشی پیرامون تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی مشهد از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی)*. ج ۱. مشهد: مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.
۱۵. مجد، محمدقلی. (۱۳۸۶). *قحطی بزرگ (۱۲۹۸-۱۲۹۶ش)* (۱۹۱۶-۱۹۱۷م). ترجمه محمد کریمی. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۱۶. مدرس‌رضوی، محمدتقی، و همکاران. (۱۳۸۶). *مشهد در آغاز قرن چهاردهم خورشیدی مشهور به گزارش مکتب شاهپور*. تصحیح و توضیح مهدی سیدی. مشهد: آهنگ قلم.
۱۷. مدرس‌رضوی، محمدتقی. (۱۳۷۸). *سالشمار وقایع مشهد در قرن‌های پنجم تا سیزدهم*. به‌کوشش ایرج افشار. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۸. نظرکرده، اعظم. (۱۳۸۸). «دارالعجزه مشهد». *پیام بهارستان*. (شماره ۳)، ۲۲۷-۲۲۳.
۱۹. *سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکماق)*. شماره بازیابی سند: ۱/۱۱۱۲۹۸؛ ۲/۱۰۵۲۴۷؛ ۲/۱۰۴۸۱۴؛ ۱، ۲، ۳، ۶، ۷، ۸، ۷۲۷۴۲.
۲۰. *روزنامه بهار*. (۱۳۳۷ق). شماره ۱، ۵، ۶، ۲۷، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۵۹، ۶۳.
۲۱. *روزنامه چمن*. (۱۳۳۵ق). شماره ۱۵، ۲۳، ۳۹، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۹۱.
۲۲. *روزنامه رعد*. (۱۳۳۷ق): شماره ۱۴۴.
۲۳. *روزنامه شرق ایران*. شماره ۲۰.
۲۴. *روزنامه شرق ایران*. (۱۳۳۶ق). شماره ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۱، ۲۵، ۲۷، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۴۰.

